

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





عنوان ارائه :

ارائه دهندگان :

محمد رضا بهمنی / امیرحسین صادقی

داود علیدوستی راد / محمد منصوری

استاد راهنما : دکتر بهروز زینعلی

درس مربوطه : جامعه شناسی انقلاب

دانشگاه فرهنگیان - مرکز شهدای مکه

نیمه اول سال تحصیلی ۱۴۰۵ - ۱۴۰۴



بعضی از واقعیت های اجتماعی تداوم دارد و همیشه در همه جوامع وجود دارند ؛ بعضی از واقعیت ها نیز مقطعی است و در شرایط خاصی در یک جامعه به وجود می آید ، فرایندی را طی می کند و در نهایت از بین می رود .

انقلاب به عنوان یک پدیده اجتماعی مقطعی در شرایط خاصی در یک جامعه واقع می شود که این موضوع بحث نظریه های انقلاب است ؛ بدین معنی که وقوع ، فرایند و تحول آن تابع شرایط خاص اجتماعی است و نه اراده و خواست افراد خاص . بنابراین ، به عنوان یک واقعیت اجتماعی عینی ، خارج و مستقل از ذهنیت افراد است و کم و بیش آزادی عمل انسان ها را محدود و خود را به آنها تحمیل می کند و زندگی مردم را تحت تأثیر خود قرار می دهد . شاید هیچ پدیده اجتماعی مقطعی وجود نداشته باشد که دامنه و عمق اثرگذاری اجتماعی آن به اندازه انقلاب باشد .



انقلاب عبارت است از دگرگونی اساسی و سریع دولت و ساختار طبقاتی جامعه که به وسیله و همراه با قیام خشونت آمیز طبقاتی از پایین واقع می شود .

مشیرزاده ، تعاریف انقلاب را به سه دسته تقسیم کرده است :
نیات ، پیامد ها و الگوی سیاسی .

تعاریف مبتنی بر نیت تعاریفی هستند که انقلاب را بر مبنای نیت و هدف انقلابیون توصیف می کنند . تعاریف پیامدی آنهایی هستند که انقلاب را بیشتر بر اساس نوع و کم و کیف دگرگونی هایی که ایجاد می کند ، تعریف می کنند . در تعریف های مبتنی بر الگوی سیاسی تأکید بر چگونگی انتقال قدرت سیاسی و کاربرد خشونت است .

با توجه به ریشه معنایی واژه انقلاب یا « revolution » این مفهوم در زمان ما کاربرد های مختلف و متعددی پیدا کرده که همه در حوزه تغییر و دگرگونی هستند. از آن میان می توان به انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی ، انقلاب سبز، انقلاب رنگی، انقلاب فناوری ، انقلاب ارتباطی و غیره اشاره کرد .



تعاریف پیامدی انقلاب را می توان به چهار گروه تقسیم کرد : تعاریفی که تأکید آنها بر دگرگونی اساسی و سریع فرهنگی ، سیاسی ، اقتصادی است و یا تعاریفی که در آنها ترکیبی از پیامد های فوق را می توان یافت . روشن است که علت تأکید دانشمندان بر یکی از این پیامد ها ناشی از نوع دیدگاه و تحلیل آنها از جامعه است .

ادواردز انقلاب را جایگزین شدن یک نظام قانونی به جای نظام قانونی دیگر می داند . همچنین گرین اظهار می کند که به نظر بسیاری از اندیشمندان ، انقلاب دگرگونی عمده و نسبتاً سریع در توزیع ثروت و منزلت اجتماعی است .

اما غالباً در تعاریف انقلاب می توان ترکیبی از پیامد های سه گانه فوق را یافت . تعریف زیر از نیومن این گونه است : « [انقلاب] تغییری فراگیر و بنیادین در سازمان سیاسی ، ساختار اجتماعی ، کنترل دارایی اقتصادی و اسطوره مسلط نظام اجتماعی که نمایانگر گسستی عمده در تداوم توسعه است . »

دسته دیگر ، تعاریف مبتنی بر فرایند جنبش انقلابی است . فرایند جنبش انقلابی را می توان از زمان شروع حرکت جمعی انقلابی تا اوج آن ، که سرنگونی رژیم حاکم و به قدرت رسیدن انقلابیون است ، دانست . عوامل موجود در این فرایند عبارت اند از : مشارکت و بسیج مردمی در جنبش انقلابی ، خاستگاه اجتماعی توده های انقلابی ، نوع رهبری و سازماندهی جنبش انقلابی ، نوع ایدئولوژی انقلابی ، وضعیت کاربرد خشونت در آن و فراقانونی یا غیرقانونی بودن جنبش .

تعدادی از محققان ، انقلاب را براساس یک یا چند عامل فرایندی تعریف می کنند . تانتر و میدلارسکی از این دسته اند که می نویسند :

« وقتی می توان گفت انقلاب وجود دارد که گروهی از شورشیان به طور غیر قانونی یا با زور ، نخبگان حکومتی را برای به دست آوردن منصب های ساختار سیاسی به چالش بکشند . »



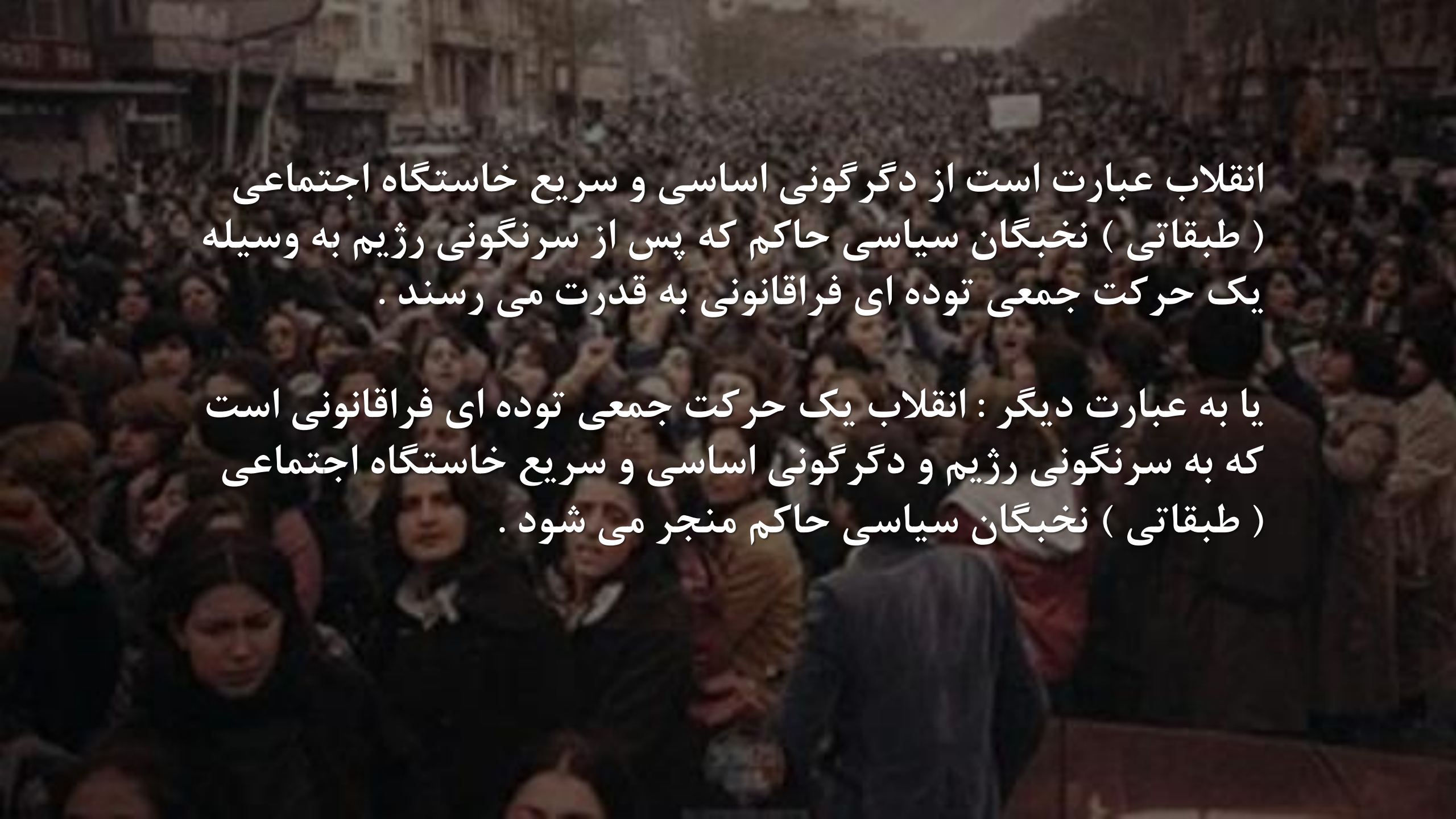
دسته سوم تعاریفی هستند که در آنها ترکیبی از عناصر پیامدی و فرایندی دیده می شود که اکثر تعاریف از این گونه اند .



تعریف اسکاچپول از انقلاب از این دسته است .
تعریف جدیدتر وی از انقلاب نیز ، که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ارائه شده است ، همین حالت ترکیبی را دارد :

« انقلاب اجتماعی دگرگونی اساسی و سریع دولت و ساختار طبقاتی و ایدئولوژی حاکم در جامعه است ، که به وسیله و همراه با قیام خشونت آمیز طبقاتی از پایین تحقق می یابد. »

تعریف فوق از ترکیب اجزاء پیامدی « دگرگونی اساسی و سریع دولت ، ساختار طبقاتی و ایدئولوژی حاکم و اجزاء فرایندی ، قیام خشونت آمیز و جنبش طبقاتی » ساخته شده است .



انقلاب عبارت است از دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی
(طبقاتی) نخبگان سیاسی حاکم که پس از سرنگونی رژیم به وسیله
یک حرکت جمعی توده ای فراقانونی به قدرت می رسند .

یا به عبارت دیگر : انقلاب یک حرکت جمعی توده ای فراقانونی است
که به سرنگونی رژیم و دگرگونی اساسی و سریع خاستگاه اجتماعی
(طبقاتی) نخبگان سیاسی حاکم منجر می شود .

یکی از ویژگی های تعریف خوب و قابل دفاع ، مانع بودن تعریف است . تعریف مانع آن است که مانع از ورود پدیده های مشابه به مجموعه موردنظر آن تعریف بشود . درباره تعریف انقلاب ، تعریف مانع آن است که مانع از ورود پدیده های مشابهی مانند جنبش انقلابی ، جنبش اصلاحی و کودتا به مجموعه انقلاب شود . لذا لازم است بدین منظور انواع جنبش های اجتماعی که انقلاب هم یکی از آنها است را بررسی کنیم .

جنبش های اجتماعی (social movements) ، به طور کلی ، به آن دسته از حرکت های جمعی گفته می شود که در پی تجدید سازماندهی جامعه هستند . هدف جنبش می تواند از براندازی نظام سیاسی - اجتماعی موجود و ساختن یک نظام مطلوب تا مبارزه با گرانی قیمت ها و اقدام جمعی برای بستن یا بازکردن یک خیابان باشد . بعضی از جنبش ها بسیار سازمان یافته اند و دارای سازمان و رهبری مشخص هستند ، بعضی دیگر سازمان خیلی سطحی و ضعیفی دارند .

جنبش انقلابی (revolutionary movement) حرکتی جمعی است که هدف آن براندازی رژیم حاکم و ایجاد دگرگونی های اساسی در جامعه است . بعضی از نظریه پردازان در تعریف خود از انقلاب ، آن را از جنبش انقلابی تفکیک نمی کنند و جنبش انقلابی را نیز انقلاب در نظر می گیرند .

یک تفاوت اساسی « جنبش انقلابی » با انقلاب این است که جنبش انقلابی برای براندازی نظام فعالیت می کند ، ولی انقلاب در واقع رژیم حاکم را سرنگون می سازد . یک جنبش انقلابی می تواند موفق به سرنگونی رژیم حاکم و به انقلاب تبدیل شود ، یا قبل از آن سرکوب گردد ، که غالباً نیز سرکوب می شوند . بنابر تعریف ما از انقلاب ، جنبش انقلابی ، انقلاب محسوب نمی شود .



جنبش اصلاحی (reformist movement)
یک حرکت جمعی نسبتاً سازمان یافته است که
هدف آن ایجاد اصلاحات ساختاری در بُعدی از
ابعاد جامعه است . این نوع جنبش ها اگر موفق شوند
به اصلاحات قانونی و نهادی در جامعه منجر می شوند
که در راستای خواسته های جنبش است . مثلاً ،
جنبش سیاهان آمریکا به رهبری مارتین لوتر کینگ
(Martin Luther King) که موفق شد اصلاحات
قانونی فراوانی در جامعه آمریکا برای رفع تبعیض
از سیاهان آمریکایی به تصویب برساند ، یک جنبش
اصلاحی موفق به شمار می آید . جنبش اصلاحی
هدف براندازی رژیم و یا نظام سیاسی حاکم را ندارد و
صرفاً خواهان اصلاحاتی در هنجار ها و نهاد های
موجود جامعه در قالب رژیم سیاسی موجود است .
حتی ممکن است بخش مهمی از نخبگان سیاسی
با چنین جنبشی موافق باشند و آن را حمایت کنند .
بنابراین ، جنبش اصلاحی نیز انقلاب محسوب نمی شود .





جنبش های مقاومت (**resistance movements**) جنبش هایی هستند که آنها نیز اختلاف زیادی با انقلاب ها دارند . از طرفی این جنبش ها محافظه کارانه و مخالف تغییر وضع موجود یا خواهان بازگشت به وضع گذشته هستند ، در حالی که انقلاب ها معمولاً خواهان ساختن جامعه جدیدی هستند که با وضع گذشته تفاوت اساسی دارد . از طرف دیگر این جنبش ها معمولاً به دنبال سرنگون کردن رژیم سیاسی حاکم و جایگزین کردن آن با یک رژیم سیاسی دیگر نیستند . بنابراین ، جنبش های مقاومت نمی توانند جزء مصادیق تعریف ما از انقلاب باشند . باید اضافه کرد که هدف بعضی از جنبش های مقاومت ایستادگی در برابر متجاوزان خارجی یا مقاومت در برابر تجاوز حکومت به حقوق شهروندان است ، که موضوع بحث ما نیست . جنبش هم زمان سفید پوستان آمریکایی علیه جنبش حقوق مدنی سیاهان و جنبش ورامینی ها علیه جنبش مشروطیت ایران از نمونه های این نوع جنبش است .



جنبش های خود بیانی (expressive movements)
بیشتر در پی ابراز احساسات خاص ، تأیید و تحکیم ارزش ها و
باورهای موجود ، و یا تبلیغ فکر و مذهب جدیدی است .
هدف مستقیم این جنبش ها دگرگون کردن ارزش ها و نگرش ها
و طرز تفکر انسان ها و هویت آنها است ، نه ساختار ها و نهاد های
اجتماعی . افراد درگیر در این نوع جنبش ها در پی ابراز و تبلیغ
باور ها و نگرش های خود به دیگران اند . جنبش های اجتماعی
جدید نیز اکثرا از این نوع است که موضوع بررسی جامعه شناسی
سیاسی جدید است . این جنبش ها نیز نمی توانند ،
انقلاب به حساب بیایند .

انقلاب ها براساس معیار های مختلف قابل طبقه بندی اند . یکی از این معیار ها میزان دگرگونی ها یا پیامد های انقلابی (**revolutionary outcomes**) ، یا قدرت انتقالی (**transformative power**) انقلاب است . از این منظر انقلاب ها را به انقلاب های سیاسی ، اجتماعی و کبیر طبقه بندی می کنند .

انقلاب ها را از لحاظ طبقه اصلی انقلابی و یا طبقه رهبری کننده انقلاب نیز طبقه بندی کرده اند . این طبقه بندی بیشتر از طرف مارکسیست ها ارائه شده است که به تحلیل طبقاتی انقلاب ها ، توجه ویژه ای دارند . بر این اساس انقلاب ها را به دو دسته کلی انقلاب های بورژوایی و پرولتاریایی طبقه بندی می کنند .

انقلاب ها را از نظر وقوع نیز می توان طبقه بندی کرد ؛ مثلاً ، کامروا با مطالعه تعدادی از انقلاب ها از جمله انقلاب اسلامی ، انقلاب ها را به چهار نوع انقلاب های خودجوش (**spontaneous**) ، برنامه ریزی شده (**planned**) ، مذاکره ای (**negotiated**) و مختلط تقسیم بندی می کند .

◆ ابعاد انقلاب

۱. بعد سیاسی : تغییر در نهاد های حاکمیتی و مشروعیت قدرت
۲. بعد اقتصادی : دگرگونی در مالکیت و روابط تولید
۳. بعد اجتماعی : تغییر در طبقات و روابط بین گروه های اجتماعی
۴. بعد فرهنگی و ایدئولوژیک : تحول در ارزش ها ، هنجارها و هویت جمعی
۵. بعد بین المللی : نقش فشار های خارجی ، جنگ ها یا الگوگیری از انقلاب های دیگر

🔍 تحلیل انقلاب فقط با توجه به همه این ابعاد امکان پذیر است ، نه صرفاً با تمرکز بر یک عامل .



شاهد رفت

• نمایندگان مجلسین
• و اعضای شورای سلطنت
• خارج شوند
• کشاورزان بیشتر بکارند
• و جلوی خروج گندم
• را بگیرند
• ارتش جلوی بیرون بردن
• سلاحهای امریکار بگیرد
• بانکهای اسلامی
• به کشاورزان کمک کنند
• اربعین را تبدیل به وسیع
• ترین تظاهرات ملی کنید

اطلاعات

شماره ۶۳۸ - ۱۲۲۷ شماره ۱۰۶۶۱ - ۱۰۶۶۱ - ۱۰۶۶۱

مجلسین نمایندگان
و اعضای شورای سلطنت
خارج شوند
کشاورزان بیشتر بکارند
و جلوی خروج گندم
را بگیرند
ارتش جلوی بیرون بردن
سلاحهای امریکار بگیرد
بانکهای اسلامی
به کشاورزان کمک کنند
اربعین را تبدیل به وسیع
ترین تظاهرات ملی کنید

رئیس مستشاران
نظامی امریکا
را در ایران
بدار آویختند

مصر امر و ز منتظر شاه است



دستورات انقلابی
امر و ز امام خمینی

نخستین روز از مجلس وای افتاد گرفت و
اعلام کرد

بازجویی از
ارتشبد نصیری
آغاز شد

بایستی ارتش و اعانت همه از عوامل ناپاک
تسلیم کرد و کلی عطف و حربه ارتش حذف
و حربه ملت است

کارکنان
سفارت امریکا
اردشیر زاهدی
را راه نمیدهند

۱. بحران مشروعیت :
مردم و نخبگان دیگر نظام را مشروع نمی دانند .

۲. بحران دولت :
ناتوانی دولت در حفظ نظم یا مقابله با بحران اقتصادی و نظامی .

۳. بسیج نیروهای مخالف :
نیروهای سازمان یافته یا توده ها علیه رژیم فعال می شوند .

۴. فروپاشی نظم قدیم :
رژیم سقوط می کند .

۵. استقرار نظم جدید :
گروه انقلابی قدرت را تصاحب و ساختار تازه ای بنا می شود .

۶. مرحله تثبیت یا بازگشت (ترمیدور) :
انقلاب به سمت ثبات یا اصلاح مجدد می رود .



◆ پیامد های انقلاب

۱. سیاسی : تغییر رژیم و نهاد های حکومتی
۲. اجتماعی : جابه جایی طبقات و ظهور گروه های جدید
۳. فرهنگی : تغییر ارزش ها ، ایدئولوژی و هویت ملی

💡 هر چند انقلاب ها معمولاً با شعار عدالت و آزادی آغاز می شوند ، ولی در عمل ، نتایج آنها می تواند با اهداف اولیه متفاوت باشد . برخی انقلاب ها پس از مدتی به استبداد یا رکود برمی گردند .

جمع بندی نهایی فصل

فصل دوم با تأکید بر چند نکته جمع بندی می شود :

۱. هیچ تعریف واحدی برای « انقلاب » وجود ندارد ، چون انقلاب پدیده ای چند وجهی است .
۲. برای فهم انقلاب ها ، باید عوامل ساختاری ، نهادی ، ذهنی و بین المللی را با هم بررسی کرد .
۳. تعریف هر پژوهشگر از « انقلاب » ، تعیین می کند که چه چیزی را علت یا پیامد بداند .
۴. انقلاب ها هم « فرآیند » هستند ، هم « رخداد » و مطالعه آنها نیازمند نگاه بین رشته ای است .

از نمونه جنبش های اجتماعی که سال ها بعد به
انقلاب منجر شد ، می توانیم قیام مردم ورامین
در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ را نام ببریم .

آنها ۱۵ سال پیش از انقلاب ، بذر انقلاب اسلامی
۱۳۵۷ ایران را کاشتند .

تعداد کثیری از مردم ورامین در آن روز
مجروح شدند یا به شهادت رسیدند
و از آن زمان به بعد ، ورامین حتی از کوچک ترین
امکانات رفاهی و بهداشتی هم بهره مند نشد .





خدا را سپاسگزارم که امروز بنده را موفق فرمود تا به زیارت این سرزمین پاک و شما مردم عزیز نائل شوم . به علّت خاطره بسیار پر عظمت خرداد ، مایل بودم این دیدار در خرداد ماه انجام گیرد . خرداد ورامین ، یک خاطره فراموش نشدنی است . همه مردم عزیز ورامین ، پیشوا ، قرچک ، جوادآباد و پاکدشت مجموعه ای را تشکیل می دهند که ارزش های این منطقه از ایمان و عزم و اراده آنها ناشی شده است ؛ حق هم همین است . از روزی که فرزند بزرگوار موسی بن جعفر - حضرت جعفر بن موسی - بعد از آسیب دیدن به وسیله دشمنان و مخالفان ، به مردم ورامین پناهنده شد و مردم ورامین این امامزاده عالی مقام را چون جان شیرینی در بر گرفتند و در همین جا ایشان بر اثر جراحت به شهادت رسید ، نشانه های توجه این مردم به ارزش های والای اسلامی آشکار شد ؛ به خصوص چیز هایی که احتیاج به عزم و مجاهدت دارد. در پانزده خرداد سال چهل و دو هم ، مردم ورامین نشان دادند که در راه حقیقت و دفاع از حق و اسلام ایستاده اند ؛ حتی به قیمت جانشان . ورامینی ها در حرم مطهر حضرت جعفر بن موسی سوگند یاد کردند و به سمت تهران راه افتادند و در میانه راه در مواجهه با شدت عمل و خشونت رژیم سفاک پهلوی ، خون پاکشان در همین منطقه باقرآباد و قرچک بر زمین ریخت و مظلومانه جان دادند . آن روز هیچ کس گمان نمی کرد روزی خواهد رسید که این شهدای مظلوم و گمنام ، مثل ستاره های درخشان ، نه فقط در آسمان ورامین ، بلکه در آسمان ایران اسلامی خواهند درخشید . آنها در مظلومیت جان دادند و خدا به مظلومیت و غربت آنها برکت داد و مجاهدت آنها در پی خود مجاهدت های دیگری را به وجود آورد و حرکت حق ، هر روز قوی تر و ستبرتر شد .

آیت الله خامنه ای - رهبر انقلاب اسلامی

از اینکه ما را تا انتها همراهی کردید ، قدر دانیم